

## بی توجهی به افغانستان بهای سنگین دارد

### داعش از تهدید بالقوه به تهدید بالفعل



آقای غنی که به هدف شرکت در نشست امنیتی مونیخ به آلمان رفته بود، در سخنرانی خود با اشاره به حضور گروه های وابسته به داعش در قلمرو افغانستان گفت: «عملیات دولت پاکستان در شمال و جنوب و زیرستان باعث جابه جا شدن گروه های شورشی شده و بخش قابل ملاحظه ای از جنگجویان این گروه ها به افغانستان منتقل شده اند»



پاکستان بستر تروریسم است و افغانستان هم کانالی که می خواهند تروریسم و داعش را از طریق آن به کشورهای آسیا میانه انتقال دهند؛ بنابراین فراموش کردن افغانستان اشتباه بزرگ است. اگر جهان اشتباه گذشته را تکرار کرده و افغانستان را از محراق توجه بی اندازد، نه تنها امنیت در افغانستان بل امنیت جهان نیز به مخاطره خواهد افتاد

صفحه ۶

## اشرف غنی خواستار حمایت چین در راستای مبارزه با تروریسم شد



در این راستا می باشد. رئیس جمهور غنی با تاکید خاطر نشان کرد: با عواملی که باعث نا امنی و شهادت افراد ملکی در کشور ما می شوند، مبارزه می کنیم و دفاع از مردم افغانستان را وظیفه خویش می دانیم و در این راستا خواهان همکاری های بیشتر جامعه جهانی می باشیم. رئیس جمهور گفت که افغانستان در زمینه مبارزه با تروریسم متعهد است و خواهان همکاری بیشتر چین

گفت که روابط مردمی به خصوص دیدارهای اعضای شورای ملی، جامعه مدنی و جوانان افغانستان و چین می تواند در گسترش و تحکیم روابط میان دو کشور، ممد واقع شود. معین وزارت خارجه جمهوری خلق چین گفت که افغانستان برای منطقه اهمیت ستراتیژیک دارد و نقطه وصل همکاری های اقتصادی و امنیتی منطقه می باشد. در مقابل اشرف غنی از معین وزارت خارجه چین خواست تا سلام ها و تمنیات نیک وی را به رئیس جمهور و سایر مقامات آن کشور برساند. رئیس جمهور غنی با تاکید خاطر نشان کرد: با عواملی که باعث نا امنی و شهادت افراد ملکی در کشور ما می شوند، مبارزه می کنیم و دفاع از مردم افغانستان را وظیفه خویش می دانیم و در این راستا خواهان همکاری های بیشتر جامعه جهانی می باشیم. رئیس جمهور گفت که افغانستان در زمینه مبارزه با تروریسم متعهد است و خواهان همکاری بیشتر چین

رئیس جمهور غنی در دیدار با لیو جیانچاو معین وزارت خارجه چین، بر حمایت این کشور از افغانستان در راستای مبارزه با تروریسم تاکید کرد. براساس خبرنامه ارگ، در این دیدار که روز گذشته در ارگ انجام شده است، هر دو جانب در مورد گسترش روابط میان دو کشور، مبارزه با تروریسم و همکاری های منطقه ای، صحبت کردند. آقای لیو جیانچاو از تلاش ها و تعهد رئیس جمهور و حکومت افغانستان در راستای مبارزه با تروریسم تشکر کرد و از همکاری های کشورش در این زمینه، اطمینان داد. معین وزارت خارجه جمهوری خلق چین، دست آوردهای سفر رئیس جمهور را در پنجاه و یکمین کنفرانس امنیتی مونیخ مهم دانست و به خاطر تقاضای رئیس جمهور از جامعه جهانی در جهت مبارزه بیشتر علیه تروریسم، قدردانی کرد. او با تاکید بر تداوم کمک و همکاری چین با افغانستان،

## دوسال بعد کابل برق شبانه روزی خواهد داشت



مقام های شرکت برق کابل می گویند که تا سال ۲۰۱۷ تمام شهروندان کابل برق ۲۴ ساعته خواهند داشت. همچنان به گفته مقام های این شرکت، ولایت های غزنی، زابل، کندهار، وردک، خوست و پکتیا نیز از برق وارداتی ترکمنستان مستفید خواهند شد. اما منتقدان می گویند که حکومت می توانست از ۱۳ سال گذشته تا سال ۲۰۱۷ میلادی بندهای برق را در داخل کشور اعمار کند و خود را از چنگ وابستگی به برق وارداتی کشورهای همسایه برهاند. شهروندان کابل در سال های اخیر با کمبود برق و حتی برخی پایتخت نشینان با نبود کامل برق روبرو بوده اند. اکنون نیز اکثر شهریان کابل در جریان ۲۴ ساعت چندین بار قطع جریان برق را تجربه کرده و گاهگاهی شب را در انتظار برق به صبح می رسانند. شماری از کابلیان شکایت دارند که حتی در پرچاوی برق نیز عدالت در نظر گرفته نمی شود. وحیدالله توحیدی، سخنگوی شرکت برق نیز می گوید که تا کنون آن...

## ریاست اجراییه: شایستگی معیار معرفی وزرا است



معاون سخنگوی ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان اعلام کرد که شایسته سالاری بجای جهادی بودن معیار... ادامه صفحه ۶

**در برگ ها**

پاسخ در مورد گزارش های نشر شده

اندیشه های سیاسی در میان مسلمانان

نقدی بر رمان شکست در کویینتا (Fiasco) نوشته استانیسلاو لم

مری تازه تیم ملی فوتبال افغانستان: با فوتبال لبخند را به مردم افغانستان هدیه می دهم

یوسف رهگشا

# بیاسخ در مورد گزارترها ننترتنده

## در مورد تشکیلات و مقرری‌های اداره امور ریاست جمهوری

هیچ تحول و تغییری در خلأ صورت نمی‌گیرد و خبرنگار وظیفه حرفه‌ی‌اش این است که آن تغییر و تحول را در بستر واقعی شرایط و مناسبت‌هایی که خلق شده یا وجود داشته است، بفهمد و سپس به گزارش آن بپردازد. این درست نیست که به صورت ابتدا به ساکن شروع به گزارش یک رویداد کند، گویا همه چیز از صفر شروع شده و تغییری که رخ داده است، همه بی‌ضابطه و یا بر اساس روابط شخصی انجام شده است.

پس از درک زمینه وقوع رویداد، نوبت می‌رسد به شناخت حجم حادثه و دامنه‌ی که پوشش می‌دهد. این نیز بخشی از تصویری است که خبرنگار باید در گزارش آن صداقت و دقت حرفه‌ی خود را جدا مرعات کند. وقتی گفته می‌شود که مثلاً بیست و چند نفر جدید در یک اداره جابه‌جا شده‌اند، باید این هم گفته شود که بیش از دوهزار نفر در این اداره مشغول به کار هستند، و برای این که وظایف این شمار چشم‌گیر نظم و نسق پیدا کند، ضرورت به این بوده است که شماری از مسوولین تغییر کنند. اگر خواننده نداند که حجم حادثه به چه پیمانانه است، دچار غلط‌فهمی شده و تصویری غیر واقعی از رویداد به او دست می‌دهد، که در اثر سهل‌انگاری عمدی یا غیرعمدی خبرنگار رخ داده است. اما تغییر ده تا بیست نفر در یک ساختار اداری که بیش از دوهزار کارمند دارد، تحولی بسیار معمول و قابل قبول است و یک ناظر بی‌طرف می‌تواند آن را به راحتی درک کند.

در قدم بعد، اگر قرار بر گزارش آن تغییرات باشد، باید اطلاعات از منبع موثق و معتبر به دست بیاید، نه از طریق افرادی که نقش جاسوس را در اداره دارند و علاوه بر این که بی‌غرض و بی‌طرف نیستند، حتا معلومات لازم را هم ندارند و نیمی از معلومات‌شان از روی حدس و تخمین است. به این خاطر است که افراد مختلف در لیست یاد شده به اقوام مختلف نسبت داده شده‌اند، در حالی که افراد خبرسان نه از قومیت بیشتر آنان اطلاع داشته‌اند و نه از تخصص آنان.

درست است که در فضای سوءظن و بدبینی و گرم بودن بازار شایعات، بیش از این که درستی و نادرستی یک خبر اهمیت داشته باشد، میزان سروصدا آفرینی و جلب توجه مشتریان اهمیت دارد و شماری از رسانه‌ها، خصوصاً آن‌هایی که ابزار دست حلقه‌های سیاسی هستند، تنها به همین جنبه اهمیت می‌دهند و آن را زیر نام خبررسانی، که در اصل حرفه‌ی ارزشمند و حیاتی برای یک جامعه دموکراتیک است، می‌پوشانند. اما اگر جلو خبرسازی‌های کاذب از مجاری قانونی آن گرفته نشود و اجازه داده شود که هر کس با هر هدف و انگیزه‌ی شروع به تخریب‌گری سیاسی کند و آن‌هم با نشر اخبار غیرمعتبر و جهت‌دار؛ در این صورت هم به اصل حرفه خبرنگاری خیانت می‌شود و هم به اعتمادی که مردم به نهاد مطبوعات دارند.

واقعیت این است که در لیست مورد بحث، شماری از چهره‌های غیرپشتون و متعلق به اقوام دیگر، به نام پشتون خوانده شده‌اند تا واقعیت به شکل وارونه به نمایش گذاشته شود. به درباره تخصص برخی از آنان معلوماتی داده شده است که از پایه ناقص و یا بی‌اعتبار است. همچنین در نحوه گزارش این تغییرات، بزرگ‌نمایی و اغراق صورت گرفته و به ابعاد مثبتی که در این تغییرات وجود دارد، توجهی نشده است. با کسانی که ماه‌ها برای ایجاد تشکیلات جدید تلاش کرده و به هدف به‌سازی این اداره با جدیت زحمت کشیده‌اند، هیچ تماسی برقرار نشده و از آنان نظری خواسته نشده است.

نمی‌توان ادعا کرد که همه کارهایی که صورت می‌گیرد، از هرگونه عیب و کاستی مبرا است، چرا که همه آشنایان به امور اداری می‌دانند که منطبق آزمون و خطا بر بسیاری از تغییرات و اصلاحات حاکم است تا پیشرفت سالم‌تری انجام شود؛ اما بی‌انصافی و خلاف اخلاق روزنامه‌نگاری حرفه‌ی است که همه جوانب مثبت نادیده انگاشته شده و به گزارش چند موردی که در صحت و اعتبار آن‌ها هم خلل‌های اساسی وجود دارد، اکتفا شود.

نباید از نعمت آزادی بیان و از فرصت گران‌قدری که شبکه‌های اجتماعی در اختیار مردم می‌گذارد، به شکل مغرضانه استفاده کرد و با آن به جای خبررسانی، صرفاً خبرسازی و شایعه‌پرازی نمود.

تغییر می‌کنند و به همان تناسب در مکانیزم‌ها و ترتیبات اداری نیز تغییراتی صورت می‌پذیرد. یک دلیل عمده آن این است که رهبری امور باید به دست کسانی باشد که معتقد به تغییرات و اصلاحات و باورمند به پالیسی‌های جدید هستند. این امر در همه کشورهای دموکراتیک رخ می‌دهد و تا کنون از این بابت کسی انتقادی جدی نداشته است. اساساً برگزاری انتخابات و تشکیل حکومت جدید، همه بخاطر این است که پالیسی‌ها و سیاست‌ها اصلاح یا تغییر کنند. طبیعی است که این اصلاحات و تغییرات را کسانی اجرا می‌کنند که به آن باور دارند و خود در طراحی پالیسی‌های جدید نقش داشته‌اند و برای معرفی آن در خلال مبارزات انتخاباتی فعالیت کرده و رای‌دهنده‌گان را به چارچوب طرح‌ها و برنامه‌های جدید قناعت داده‌اند.

از طرف دیگر، هر وقت که تغییراتی در یک اداره رخ می‌دهد، شماری از افراد از برخی مسوولیت‌ها به ناچار کنار گذاشته می‌شوند و یا جایگاه‌شان در هرم تشکیلاتی آن اداره تغییر می‌کند، و اگر آنان آن منصب را به چشم منبعی از مزایا و امتیازات می‌دیدند، از این بابت ناخشنود می‌شوند و به همان دلیل در برابر آن تغییرات، شروع به مقاومت و حتا کارشکنی می‌کنند.

مشکلی که در این سال‌ها در جامعه ما اتفاق افتاده



این است که پیش از این، هر وقت کسی به مسوولیتی گماشته شده است، شمار چشم‌گیری از وابسته‌گان شخصی، قومی، سیاسی یا منطقه‌ی و... خود را در اداره تحت امر خویش به کار گماشته است. با آمدن شخص جدیدی در رأس آن اداره، کسانی که وابسته‌گان مسوول قبلی هستند، به آن اداره به گونه‌ی می‌نگرند که گویا قلمرو و ملکیت شخصی‌شان است و قرار است تا ابد مناصب و موقعیت‌های کلیدی آن را در چنگ داشته باشند. طبیعی است که چنین منطقی در تعامل اداری، موجب می‌شود در برابر هر تغییر و تحولی، شروع به کارشکنی کرده و در برابر تغییرات و اصلاحاتی که باید انجام شود، ایستاده‌گی نشان دهند. ریاست پیشین اداره امور نیز از این قاعده مستثنا نیست.

در چنین وضعیتی، مسوولین جدید یک اداره بر سر دوراهی قرار می‌گیرند که یا باید مصلحت اداره و سیستم را فدای مصلحت‌های کوچک‌تر کنند و به‌خاطر این که هیچ اعتراضی صورت نگیرد و همه را راضی نگه دارند، همان وضعیت را بی‌هیچ تغییر و تحولی حفظ نمایند، و یا اصل را بر تغییر وضعیت و بهبود شرایط کاری اداره بگذارند و در آن صورت، هزینه کارشکنی‌ها، هیاهو و تبلیغات منفی را که برضدشان به‌راه می‌افتد، پذیرا شوند.

این بخشی از زمینه‌ی است که یک خبرنگار یا رسانه خبری باید در ضمن تهیه گزارش خود در نظر بگیرد.

رسانه‌ها، هم حق دارند و هم وظیفه که بر آن‌چه در سطوح مختلف زنده‌گی اجتماعی و عرصه‌های سیاسی می‌گذرد، نظارت و دیدبانی کنند. آن‌ها می‌توانند از این طریق به بالا رفتن آگاهی جامعه یاری برسانند، و واقعیت‌ها را چنان‌که باید، به تصویر کشند.

برای آن‌که کار رسانه‌ی در مسیر سالم و سودمند خود قرار بگیرد، ضوابط و اصولی برای آن در نظر گرفته شده، تا اعتبار و ارزش آن را حفظ کند و نقشی که به عهده آن نهاده شده، به شکل بهتری انجام پذیرد. از جمله اصول مهم خبرنگاری، دقت در گزارش‌ها، حفظ بی‌طرفی، توجه جدی به منابع خبر و امانت‌داری در گزارش‌دهی آن‌هاست. در واقع، هم فرد خبرنگار و هم رسانه خبری، دست‌اندرکار تغذیه ذهن و روان جامعه است و بنا به اهمیتی که این کار دارد، باید سالم‌ترین و مقوی‌ترین غذا را تهیه و به دسترس مخاطبان خود قرار دهد. کوچک‌ترین سهل‌انگاری در این زمینه یا ساده‌ترین تخطی از اصول فنی و ضوابط اخلاقی این کار، می‌تواند به مسمومیت ذهن و ضمیر مردم بینجامد و موجب تشویش افکار عامه و یا آشفته‌گی اجتماعی گردد.

این درست است که بخشی از رسانه‌ها وابسته‌گی سیاسی یا گرایش‌های خاص فکری دارند، اما علی‌رغم آن، برای حفظ اعتبار خود ناچارند اصول

یادشده را مراعات کنند و از زیر پا کردن آن‌ها اجتناب ورزند. گزارشی که در شماره ۷۷۰ مورخ سه شنبه ۱۴ دلو ۱۳۹۳ روزنامه اطلاعات روز، تحت عنوان «نگاهی به تشکیلات و مقرری‌های اداره امور ریاست جمهوری» منتشر گردید، به دلیل اطلاعات ناقص و خط‌آلودی که داشت، گفت‌وگوها و گمانه‌هایی را درباره تعیینات جدید در ریاست اداره امور ریاست جمهوری برانگیخت. بیشتر محتویات آن گزارش، از منبع موثقی تهیه نشده و از روی حدس و گمان‌ها، یا از طریق برخی افراد مغرض که به دلایل شخصی، موضع مخالف در برابر تغییرات دارند، به‌دست آمده است.

این که یک روزنامه یا هر رسانه دیگر، تغییرات و تحولاتی را که در یک اداره دولتی رخ می‌دهد صادقانه گزارش کند، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار شایسته‌ی هم هست اما مشروط به این که گزارش دقیق و معتبری باشد.

وقتی یک گزارش خبری درباره رویدادی سیاسی یا اجتماعی تهیه و نشر می‌گردد، نویسنده و تهیه‌کننده آن باید در اولین قدم زمینه‌های آن رویداد را مطالعه کند و گزارش را در زمینه مناسب آن قرار بدهد تا به تفاسیر و برداشتهای غلط نینجامد. همه می‌دانند که با روی کار آمدن چهره‌های جدید در سطح رهبری یک کشور، پالیسی‌ها و برنامه‌ها نیز

## سخن ماندگار

### چرا افغانستان

### از چشم دنیا افتاد؟

در پنجاه و یکمین نشست امنیتی مونیخ در آلمان آشکار شد که توجه جامعه جهانی به افغانستان کمتر شده و به عبارت دیگر، کشور ما از اولویت جامعه جهانی افتاده است.

طبیعی است که افتادن افغانستان از اولویت جامعه جهانی، خبر خوشی نیست؛ اما باید بررسی کرد که کدام عوامل سبب شده‌اند افغانستان از دایره توجه جهان خارج شود. شاید رویدادهایی که در دیگر نقاط عالم رخ می‌دهند، یکی از عوامل تغییر در اولویت‌های جهان باشد؛ ولی با توجه به تمرکز تهدید تروریسم در کشور ما، عقلانی نیست که افغانستان از اولویت جامعه جهانی بیرون شود.

جدا از این که بگوییم کدام عوامل سبب افتادن افغانستان از اولویت جهان شده‌اند، باید به جامعه جهانی خاطر نشان بسازیم که فراموش کردن افغانستان و افتادن آن بار دیگر به کام تروریسم، دردسر بزرگ دیگری را برای نظام بین‌الملل تولید می‌کند و دنیا نباید با این از نظر انداختن‌ها، شمشیر تروریسم را به جان افغانستان تیزتر بسازد.

البته از نظر انداختن افغانستان، عوامل زیادی دارد؛ یکی از این عوامل، سیاسی می‌نماید؛ زیرا به نظر می‌رسد که افغانستان وارد فاز جدیدی از بازی‌های منطقه‌ی شده و احتمال می‌رود که در مرکز این بازی‌ها برای ناامن شدن منطقه محصور بماند.

قراین نشان‌دهنده آن است که تصمیم‌گیرنده‌گان بزرگ جهانی و منطقه‌ی می‌خواهند افغانستان را به کانون بنیادگرایی و قطب اصلی تولید و صدور تروریسم به دیگر نقاط جهان به‌ویژه کشورهای آسیای میانه، تبدیل کنند تا حدی که حتا روسیه نیز از پیامدهای آن در امان نماند. بی‌توجهی به افغانستان و تقویت تروریسم و گسترش دامنه نامنی‌ها به شمال، نقطه عزیمت این رویکرد کلان است. اگر چنین باشد، قصه داعش و داعشیان در افغانستان به تدریج بالا می‌گیرد و مناطق زیادی از کشور ناامن خواهد شد.

یکی دیگر از عواملی که سبب افتادن افغانستان از اولویت جامعه جهانی خوانده می‌شود، این است که افغانستان نتوانست از مناسبات سنتی و قبیله‌ی خویش به معیارهای مدرن و دموکراتیک گذار موفقانه داشته باشد و انتخاباتی را برگزار و دولتی را سرپا کند که تمثیل‌کننده ارزش‌های مدنی و نوین باشد و حتا نتوانست بر اساس توافق‌نامه سیاسی پس از انتخابات، بنیاد حکومت و دولتی را پی بریزد که نمایانگر وحدت ملی افغانستان به معنای واقع آن و آغازی دوباره برای جبران ناکامی‌های گذشته باشد.

دولت فعلی، بسیار زود در تطبیق توافق‌نامه سیاسی و تحقق وعده‌های خود، ناکام از آب برآمد و در سطح ملی و بین‌المللی باعث یأس حامیان خود شد. یکی دیگر از ناتوانی‌های عمده دولت فعلی، در امر ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی به ظهور رسید و سبب انتقادهای شدید داخلی و بین‌المللی شد. اکنون موج اعتراضات خفته و آشکار مردم در داخل کشور احساس می‌شود و هرکس به‌نحوی از دولت کنونی مایوس و عصبانی به نظر می‌رسد. هر چند این موارد روی هم می‌توانند چهره نامطلوبی را در سطح بین‌الملل از افغانستان به نمایش بگذارند، اما دلیل اصلی افتادن افغانستان از اولویت جامعه جهانی نمی‌تواند باشد.

رویدادها و تحرکات اخیر در کشور، حکایت از آن دارند که به‌زودی افغانستان به نقطه اتصال همه گروه‌های تروریستی دنیا بدل خواهد شد و طالب و داعش در نهایت در یک سنگر علیه امنیت مردم ما قرار می‌گیرند، اما در عوض پاکستان به عنوان یک کشور نسبتاً امن در منطقه ظاهر خواهد شد.

آن‌چه گفته شد، بی‌هیچ مبالغه‌ی، پیش‌بینی آینده‌ی نه چندان دور ما مبتنی بر تحلیل اوضاع کنونی بود و بدون شک دولت افغانستان می‌تواند با روی دست گرفتن سیاست‌ها و تمهیدات لازم، از وقوع چنین اتفاقی جلوگیری کند. بر رهبران دولت فعلی است که کیاست به خرج دهند و سرنوشت شوم تدارک‌دیده برای ما را به انجامی نیک و خوش‌یمن بدل سازند.

کبری بهروز - امید انقلاب

# ناتفیر انقلاب اسلامی

## در جنبش‌ها اسلامی جهان



- ۱۹- حزب الله الجزایر:
- ۲۰- جنبش اسلامی الجزایر:
- ۲۱- جنبش مجاهدین مراکش:
- ۲۲- جنبش آزادی بخش در قطر:
- ۲۳- جنبش توحید اردن:
- ۲۴- سازمان آزادیبخش اسلامی مصر:
- که از انشعابات اخوان المسلمین و بر ضد رژیم مصر است. اکنون یک جنبش کاملاً زیر زمینی و بیشتر در دانشگاه‌ها مشغول فعالیت است.
- ۲۵- جماعه الاسلامی مصر (سنی):
- ۲۶- سازمان جهاد مصر (سنی):
- ۲۷- نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان:
- ۲۸- حزب اسلام گرای رفاه ترکیه:
- بزرگترین حزب ترکیه که دارای نفوذ بسیاری در بین مردم ترکیه است و طی سال‌های اخیر بارها به قدرت رسیده است و به خاطر فشارهای ارتش لاییک، افراد و مسئولین این حزب دائماً محاکمه و به جرم عدم رعایت قانون جدایی دین از سیاست به زندان و یا برکناری از پستهای دولتی محکوم شده‌اند. نجم الدین اربکان رییس این حزب روابط بسیار صمیمی با جمهوری اسلامی ایران دارد.
- اما انقلاب اسلامی در ایران تنها در بخش‌های سیاسی بر احزاب و گروه‌های جهان تأثیر نداشته است، بلکه بخشی از اثرگذاری آن مربوط به امور فرهنگی است.
- امور فرهنگی از آن حیث مهم هستند که پایه و اساس امور سیاسی حرکت‌های سیاسی را فراهم می‌آورند. به دیگر سخن، امور فرهنگی زمینه ساز امور سیاسی‌اند. به این دلیل، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند، و در مقوله سیاسی، شایستگی مطرح شدن را می‌یابند.
- از دیگر مظاهر انقلاب اسلامی ایران که در پیروان جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر دیده می‌شود، حجاب است. با پیروزی انقلاب اسلامی، گرایش به حجاب اسلامی در اقصی نقاط جهان اسلام فزونی گرفت. حتی در برخی از کشورهای اسلامی چون لبنان و الجزایر، مورد استفاده قرار گرفت. در ترکیه، علی‌رغم مخالفت‌های دولتی، رعایت حجاب رو به گسترش است. زنان فلسطینی گرایش بیشتری به حجاب پیدا کرده‌اند، در کنار آن، گرایش به نماز بیشتر شده، انتشار مجلات و نشریات اسلامی افزایش یافته و مشروبات فحشاء و مراکز فساد و فحشاء مورد حمله زیادی قرار می‌گیرند. حجاب اسلامی، حتی تا دل اروپا هم نفوذ کرده است، به گونه‌ای که گرایش به حجاب در مدارس فرانسه و مخالفت مکرر دولت این کشور با حجاب، پدیده‌ای به نام جنگ روسری را پدید آورده است.

- پادشاهی عربستان سعودی شکل گرفته‌اند. وهابیت در پاکستان، ساف در فلسطین اشغالی و سازمان پیکار اسلامی در عراق، نمونه‌هایی از این گروه‌ها به شمار می‌روند. به همین جهت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، صف اسلام سازش کار از صف اسلام ناب محمدی (ص) کاملاً جدا شده است. در زیر به بعضی از گروه‌هایی که تحت تأثیر انقلاب اسلامی در جهان به وجود آمد اشاره می‌شود:
- ۱- گروه‌های لبنانی:
  - ۲- جنبش توحید اسلامی لبنان (سنی):
  - ۳- گروه‌های فلسطینی:
  - حماس و جهاد اسلامی.
  - ۴- مجلس اعلای عراق:
  - ۵- حزب الدعوه عراق:
  - ۶- حزب الدعوه خلیج:
  - گروهی از شیعیان حوزه خلیج فارس.
  - ۷- جبهه انقلاب اسلامی شبه جزیره (عربستان):
  - ۸- حزب الله حجاز:
  - ۹- حزب آزادی بخش شبه جزیره (عربستان):
  - ۱۰- جبهه اسلامی قومی سودان:
  - گروهی سنی مذهب منشعب از اخوان المسلمین به رهبری دکتر حسن ترابی روشنفکر مشهور عرب که با ایران روابط بسیار نزدیکی دارد که در سال ۱۹۸۹ در سودان به قدرت رسیدند.
  - ۱۱- حزب نهضت تونس:
  - ۱۲- جبهه اسلامی برای آزادی بحرین.
  - ۱۳- گروه عدل و احسان مراکش:
  - ۱۴- جنبش مجاهدین مراکش:
  - ۱۵- دار التوحید کویت:
  - جنبشی قدیمی فعال شامل گروهی روشنفکر از کویت
  - ۱۶- جنبش آزادی بخش کویت:
  - ۱۷- حزب الدعوه کویت:
  - بعد از یک بمب گذاری در سال ۱۹۸۳ بسیاری از اعضای آن دستگیر شده و تحت فشار دولت کویت هستند.
  - ۱۸- جبهه نجات اسلامی الجزایر:
  - این گروه در سال ۱۹۹۱ اجازه شرکت در انتخابات پارلمان را پیدا کرد که با پیروزی قاطع، نزدیک ۷۰ درصد کرسی‌های مجلس را بدست آورد. عباس مدنی رهبر این حزب تصریح کرد که: می‌خواهیم یک حکومت اسلامی شبیه به حکومت خمینی در ایران تشکیل دهیم. بعد از این اظهارات که بیشتر شبیه یک عملیات انتحاری بود، بلافاصله ارتش الجزایر با حمایت همه جانبه امریکا و اروپا کودتا کرد و عباس مدنی و دیگر اعضای این حزب را زندانی کردند.

تحولات جهانی، به خصوص انقلاب‌های بزرگ در فرانسه، ایران و افغانستان تأثیرات گسترده‌یی بر کشورهای دیگر و جوامع دیگر گذاشته است. انقلاب فرانسه سبب رویدادهای بزرگی در جهان اروپا و شد. انقلاب ایران نیز سبب تحولات عمیق در منطقه و جهان شده است. تفاوت‌های هر انقلاب بر بنیاد ارزش‌های بنیادین آن واضح و آشکار است. انقلاب اسلامی ایران ۳۶ سال پیش از امروز در ۲۶ اسفندماه در این کشور به پیروزی رسید و ما سعی کردیم تأثیر این انقلاب را در خیزش‌های دیگر بیابیم. بنابراین مقاله‌یی را از مجله امید انقلاب و با اندکی اختصار برگزیدیم که می‌خوانید:

نظام جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت و به صورت بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان درآمد.

انقلاب اسلامی ایران در تولد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نیز نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر پرونده سیاسی جنبش‌های اسلامی دهه‌های اخیر به روشنی دیده می‌شود.

برخی از گروه‌های اسلامی سیاسی، تولد و موجودیت خود را مدیون انقلاب اسلامی‌اند. این گروه‌ها دو دسته‌اند: دسته‌ای که از یک جنبش اسلامی غیر فعال پیشین منشعب شده‌اند (مانند امل اسلامی از جنبش امل و جنبش جهاد اسلامی از اخوان المسلمین فلسطین، در واقع بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد) و دسته‌ای که وابسته به جنبشی و گروهی نبوده‌اند، بلکه موجود و پدید آمده‌اند (مانند نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان) اگرچه دسته‌های اخیر پیش از دسته نخست، مدافع و متأثر از انقلاب اسلامی است، اما همه این گروه‌ها در دفاع از انقلاب اسلامی ایران، پیروی از رهبری آن و نیز الگو قرار دادن آن اشتراک نظر دارند.

بعضی دیگر از گروه‌ها و جنبش‌های سیاسی اسلامی به تأثیر از تجدید حیات اسلام که از ثمرات انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر است، از حالت رکود، رخوت و انفعال خارج شده‌اند، و با نیرو و سازماندهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولت‌های حاکم پرداخته‌اند. مثلاً حرکت اسلامی در دانشگاه‌های النجاع، بیرزیت، غزه، بیت المقدس و الخلیل، به نحو چشمگیری پس از انقلاب اسلامی گسترش و توسعه یافت و یا فعالیت گروه جماعه المسلمین که حضوری محدود در نوار غزه داشت، در پی انقلاب اسلامی ایران و نیز به دنبال احکام صادره از سوی دادگاه نظامی رامل ... علیه اعضای آن، افزایش پیدا کرد. بخشی از این گروه‌ها، تنها به افزایش حجم فعالیت‌های خود اقدام کرده‌اند و در روند مبارزه به شیوه‌های مسالمت‌آمیز توجه دارند. بخشی دیگر بر شدت و حجم تلاش‌های ضد دولتی خود افزوده‌اند، و با تکیه بر روش‌های مسلحانه درصدد نابودی رژیم‌های حاکم هستند. سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب از گروه نخست و جبهه اسلامی سوریه از گروه دوم محسوب می‌شوند.

انقلاب اسلامی ایران در تحرک سیاسی آن دسته از جنبش‌های ظاهر اسلامی که هیچ‌گونه و یا کمترین علقه‌ای به انقلاب اسلامی ندارند، هم به شکل دیگری مؤثر بوده است. این گروه‌ها که با تولد انقلاب اسلامی و به منظور مقابله با آن متولد و یا گسترش یافته‌اند، با کمک دولت‌ها و اشخاص مخالف انقلاب اسلامی و به ویژه با پشتیبانی و با حمایت مالی دولت‌هایی چون دولت

### داوود اوغلو: داعش به تهدیدی جدی علیه ترکیه تبدیل شده است



نخست‌وزیر ترکیه اعلام کرد، گروه داعش و سایر گروه‌های تروریستی افراط‌گرا به تهدیدی جدی برای این کشور و تمام جهان تبدیل شده‌اند. به گزارش خبرگزاری ای.بی.بی.ای، احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر ترکیه در این باره اظهار کرد: متأسفانه ترکیه در مرکز حوادثی قرار دارد که در منطقه رخ می‌دهند. نخست‌وزیر ترکیه با اشاره به تغییرات گسترده در کشورهای مختلف عربی مدعی شد: بهار عربی در تعدادی از کشورهای خاورمیانه نه تنها موجب دموکراتیک شدن این کشورها نشد بلکه باعث شد تا در این کشورها افراط‌گراها به قدرت برسند.

### بان کی مون در کنفرانس بین‌المللی «حکومت‌ها»: دولت‌ها به صدای ملت‌های شان گوش دهند



دبیرکل سازمان ملل در سخنانی در «کنفرانس بین‌المللی حکومت‌ها» بر نقش نهادهای حکومتی در بهبود سطح زندگی ملت‌ها تأکید کرد و گفت: به حاشیه راندن و نادیده گرفتن بخشی از جامعه توسط حکومت‌ها باعث ظهور تندروری و افراط‌گری می‌شود. به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، بان کی مون این سخنان را در افتتاحیه سومین دوره از کنفرانس بین‌المللی حکومت‌ها که به ابتکار امارات در دبی برگزار شده است، ایراد کرد. این کنفرانس سه روزه است و روز چهارشنبه به کار خود پایان می‌دهد. در این دوره از کنفرانس دبی، نزدیک به ۴ هزار شرکت‌کننده از ۹۳ کشور جهان که در بین آنها بیش از ۱۰۰ شخصیت سرشناس از جمله، رهبران، افراد با نفوذ در تصمیم‌گیری‌های جهانی، وزرا و روسای شرکت‌های بزرگ به چشمی خوردند، حضور دارند. بان کی مون گفت: جهان امروز با چالش‌ها و مشکلات بسیاری از جمله گسترش پدیده تروریسم با گروه تروریستی داعش، ادامه اختلافات فلسطین و اسرائیل، مساله حقوق بشر، فقر در آفریقا و ده‌ها بحران دیگر دست و پنجه نرم می‌کند که ضرورت همکاری حکومت‌ها برای فائق آمدن بر این مشکلات را دوچندان می‌کند. دبیرکل سازمان ملل ادامه داد: رشد پدیده تروریسم به ویژه آنچه که ما در قالب داعش شاهد آن هستیم یک امر خطرناک برای جهان است که باید همه با هم در مواجهه آن بکوشیم. وی افزود: ما باید در راستای حل اختلافات ریشه‌دار فلسطین و اسرائیل که سال‌هاست ادامه دارد نیز بکوشیم تا این اختلافات پایان یابد. بان کی مون به مساله حقوق بشر و ضرورت حمایت از آن نیز اشاره کرد و گفت: حکومت‌ها باید به خواسته‌ها و حرف‌های ملت‌هایشان گوش دهند. در چنین شرایطی است که یک دولت موفق روی کار می‌آید و در غیر این صورت فساد و دیکتاتوری ظهور می‌کند. وی گفت: دولت‌ها باید توانمند و فعال باشند تا بتوانند به وظایف خود در تحقق منافع و خواسته‌های ملت‌هایشان عمل کنند. یک دولت ضعیف نمی‌تواند به رشد ملت خود کمک کند. دبیرکل سازمان ملل در ادامه گفت: ما در سال جاری سه رویداد مهم پیش روی داریم که اولی کنفرانس توسعه و آبادانی در آدیس آبابا است که بر بهبود وضعیت اقتصادی جهان به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته تمرکز دارد. رویداد دوم مجمع عمومی سازمان ملل است که هر ساله برگزار می‌شود و سومین رویداد کنفرانس آب و هوا در پاریس است که طی آن تلاش می‌کنیم به مشکلات زیست محیطی به ویژه مساله گازهای گلخانه‌ای و تبعات ناشی از آن به کار بپردازیم. دبیرکل سازمان ملل گفت: ما در راستای بهبود اوضاع کلی جهان با دولت‌ها و نهادهای حکومتی در سراسر جهان تعامل داریم و اخیراً یک نظرسنجی با نزدیک به هفت میلیون تن در سراسر جهان انجام داده‌ایم که نتایج آن برای بهبود شرایط زندگی انسان‌ها استفاده خواهد شد.

بخش نخست

## تله ذهنی که زنده گی تان را

### تایید می کند



احساس ناامیدی، بی مصرفی و ناراحتی می کنید. هیچ چیز در زنده گی تان خوب پیش نمی رود. همه از شما بهتر هستند و هیچ وقت آن آدم کاملی که دوست دارید، نخواهید شد. دوست دارید دیگران دوست تان داشته باشند، اما این طور نیست. این جملات و احساسات به نظر تان آشنا می آید؟

این جملات برای اکثر آدمها آشنا می آید. تله های ذهنی مثل دندان های فرسوده ای هستند که چرخه درد و ناامیدی را ادامه می دهند. در بسیاری از موارد، این تله ها چنان ریشه عمیقی در مغز دارند که قربانی کاملاً ناآگاه از وجودشان به زنده گی خود ادامه می دهد.

مهم ترین چیزی که باید در مورد این اشتباهات شناختی بدانید این است که آن ها روش هایی نادرست برای کنار آمدن با دنیا و خودتان هستند. زنده گی کردن در دنیای تله های ذهنی، مثل زنده گی کردن با یک دروغ است. درک شما آلوده منفی گرایی مالیخولیایی شده است که افکاری پوچ، غیرواقعی و نادرست به ذهن تان می آورد.

اما برای غلبه بر این، نیاز به توجه آگاهانه و مداوم دارید. برای انجام این کار، اول باید بدانیم این تله ها چه هستند.

در زیر این ۶ تله ذهنی را معرفی می کنیم:

#### ۱- تصورات

تصورات در واقع فرضیات هستند. بر اساس چیزی که فکر می کنید درست است، تصور می کنید که چیزی درست است. بدون هیچ سند و مدرکی. تصورات می تواند در مورد خودتان و دیگران باشد. به عنوان مثال، «او این طور با من رفتار می کند چون...» یا «آن ها تصور می کنند که من این طور هستم چون...»، «من همیشه این کار را می کنم چون...».

چرا زنده گی تان را نابود می کند: شما دردهای احساسی و فکری بی موردی را برای خودتان درست می کنید. مخصوصاً اگر همیشه بدترین ها را تصور کنید. تصورات باعث می شوند قضاوت های نادرستی در مورد بقیه پیدا کنید. این می تواند به روابط شما صدمه زده یا آن ها را نابود کند.

#### ۲- اعتقادات

منظور از اعتقاد داشتن به چیزی این است که به طور متعصبانه بی باور داشته باشید که چیزی درست است؛ حتی با این که ممکن است واقعیت این نباشد. باورهای ذهنی در ذات خود بسیار افراطی هستند. مجموعه الفاظ و کلمات ذهن درست مثل اعتقادات بسیار قوی هستند. به عنوان مثال، جملاتی مثل «دیگر هیچ وقت نمی توانم درست حرف بزنم»، «آن ها همیشه خیلی عجیب به من نگاه می کنند» و اعتقادات هم درست مثل همه تله های ذهنی به طور ناخودآگاه در شما وجود دارند. ممکن است ریشه بسیار عمیقی در ذهن تان داشته باشند، طوری که به ذهن هوشیار تان حمله خواهد کرد. مثال، «آدم های دیگر می خواهند به من صدمه بزنند.» یا «من واقعاً زشتم.»

چرا زنده گی تان را نابود می کند: اعتقادات، ذاتی کورکننده دارند. اگر این اعتقادات اشتباه باشند، می توانند تأثیر منفی شدیدی بر شما داشته باشند. این اعتقادات به طرز زنده گی ترس در دل تان خواهد انداخت. در نتیجه زنده گی شما بسیار محدود شده و ناراحت و افسرده خواهید شد.

منبع: سلامت نیوز

بخش بیست و هشتم

# اندیشه های سیاسی در میان مسلمانان



عبدالحفیظ منصور

و فرو رفتن جامعه در آشوب و هرج و مرج است، زیرا زبان هایی که نبود دستگاه دولتی بر مردم وارد می آورد، به مراتب بزرگتر از وجود دولت ظالم است. نکته دیگر این که، ابن تیمیه اقامه عدل و داد را از واجبات عمده اسلامی می داند، در این صورت چه طور می توان او را هم جانبدار تأمین عدالت دانست و هم طرفدار حاکم ظالم و مستبد؟

ابن تیمیه به تأسی از حضرت علی (رض) می گوید: «مردم به امیر نیاز دارند، خواه نیکوکار باشد، خواه بدکار. اگر نیکوکار بود، چه بهتر. اما اگر بدکاره بود، آن امیر دست کم حدود شرعی را تطبیق می دارد، امنیت را برقرار می کند و با دشمنان پیکار می نماید» (ابن تیمیه، ۱۳۸۷: ۱۳۵-۱۳۴). از این سخنان برمی آید که امیر ستمگر مورد نظر ابن تیمیه به شریعت پایبند بوده و در اجرای احکام آن جدی می باشد و بدکاره

ابن تیمیه، امامت را یک نیاز دینی می داند و تعیین امام یا زمامدار را از بزرگترین واجبات دینی می شمارد، زیرا سایر واجبات دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر بدون دولت تحقق نمی پذیرد. او می گوید: «ادای فریض دیگر مانند جهاد، تأمین عدالت، اقامه حج، نمازهای جمعه و عیدین، یاری مظلومان، اقامه حدود شرعی، بدون امامت اجرا شدنی نیستند و از همین روست که فرموده شده است: السلطان ظل الله فی الارض» (ابن تیمیه، ۱۳۸۷: ۲۹۴). بدین ترتیب، ابن تیمیه پیوند ناگسستنی دین و دولت را در اسلام بیان می دارد، به ویژه آن گاه که ابن تیمیه امام سیاسی را عهددار امامت در نماز و فرماندهی در جهاد نیز می داند.

ابن تیمیه، پادشاه را اثر رحمت پروردگار در روی زمین می شمارد و با ذکر حدیثی نظر خود را بیان می دارد. حدیث مورد



بودن او در حد فسق و فجور می تواند مورد محاسبه باشد.

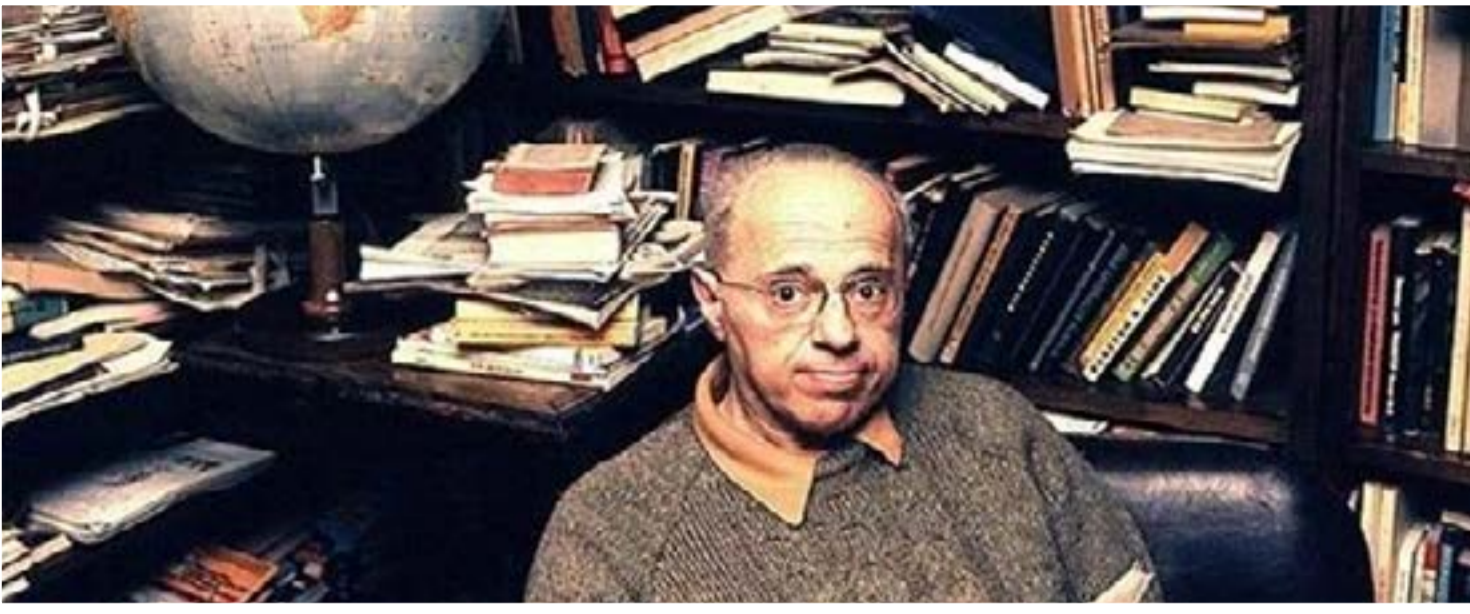
ابن تیمیه در روزگاری می زیست که سرزمین های اسلامی را آشوب و اغتشاش فرا گرفته بود و قلمرو اسلامی در بی نظمی و پراکنده گی به سر می برد، از این رو سخت به نظم و ثبات می اندیشید. او مسلمانان را به «خیرخواهی» در حق زمامدارانشان دعوت می دارد و از قول امام احمد حنبل می گوید، اگر کسی یک دعای مستجاب

نظر او: «شصت سال زنده گی زیر سلطه پادشاه ستمگر، بهتر از یک شب زنده گی بدون پادشاه می باشد». کمال پولادی در کتاب «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام» از این گفته ابن تیمیه چنین استنباط کرده است که او «قیام علیه حاکم جاهل را جایز نمی داند» (پولادی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)؛ حال آن که حدیث مبارکه می تواند تفسیر دیگری هم داشته باشد و آن این که، وجود امام ستمگر در یک اجتماع بهتر از نبود آن

داشته باشد، بهتر است در حق پادشاه کند. از نظر ابن تیمیه، «امامت» یک «امانت» است و «امیر» یک «اجیر» که در برابر انجام کاری مسلمانان او را پذیرفته اند و از دستورهایش اطاعت می کنند. با این طرز دید نسبت به امامت، او بر پایه دستور قرآنی، به شدت به سپردن امانت به اهل آن تأکید می ورزد و می گوید، در صورت وجود یک شخص «اصلح»، دادن زمام امور به شخص پایین تر از آن، خیانت در حق خدا و رسولش است. به عقیده او، مراعات اصل دادن امانت به اهل آن، موضوع مورد اجماع علمای اسلام می باشد (ابن تیمیه، ۱۳۸۷: ۴۴-۳۳). شریعت نامه نویسان پیش از او مانند ماوردی و غزالی به صورت مشروح راه های دستیابی به مقام «امامت» را نشان دهی می کنند و از مشروعیت و عدم مشروعیت آن ها سخن می رانند؛ ولی ابن تیمیه در این زمینه بحث و تبصره نمی کند. این مسأله موجب آن شده که شماری از پژوهشگران سکوت ابن تیمیه را در این باب، به بی اهمیت بودن شیوه های دسترسی به قدرت تعبیر کنند (پولادی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در حالی که این امر می تواند یک نقیصه در کتاب «سیاست شرعی» شمرد شود؛ اما کسی که با سرسختی از امنیت و ثبات حمایت می دارد، نیاز امام را به خاطر تطبیق احکام شرعی می داند، ناروایی ها و کج رفتاری های امیر را در بدل تطبیق حدود شرعی قابل چشم پوشی می خواند و امامت را امانت دانسته و امیر را اجیر عنوان می دهد، چه طور ممکن است که به هرگونه تلاش برای دستیابی به قدرت دولتی جواز دهد؟

ابن تیمیه، دو ویژه گی، یکی قوت و توانایی و دیگری امانت داری را برای امام مسلمانان مهم می خواند. او روشن می سازد که قوت و توانایی در هر موردی، معنی خاص خود را دارد و در همه جا به یک معنی و مفهوم نیست. امامت مفضول با وجود فاضل، گاهی برای ابن تیمیه پذیرفتنی است، و در این زمینه می گوید: «گاهی به سبب کدام علت خارجی، انتخاب مفضول با وجود افضل نیز به میان آمده می تواند؛ چنان که در غزوه ذات السلاسل حضرت رسول (ص) حضرت عمرو بن عاص را محض از روی شفقت، بالای اقرارش که با ایشان فرستاده شده بود انتخاب کرد، یا اسامه بن زید را به مناسبت وفات پدرش تعیین فرموده بودند.» (ابن تیمیه، ۱۳۸۷: ۵۶)

ابن تیمیه در این جا نمونه هایی از فرماندهی لشکر را به دست می دهد، در حالی که این پرسش باقی می ماند که گزینش مفضول با وجود افضل در امر امامت عام مسلمانان هم می تواند درست باشد و یا خیر. افزون بر آن، آن چه ابن تیمیه درباره گزینش عمر و بن عاص و اسامه بن زید اشاره کرده است، شاید بخشی از دلایل باشد، اما کلی دلایل نیست.



# نقدی بررمان شکست در کویینتا (Fiasco) نوشته استانیسلاو لم

محمدرضا آزادی

استانیسلاو لم (Stanislaw Lem) را می‌توان در کنار آرتورسی کلارک، ایزاک آسیموف، رابرت ای هاین لاین، ژول ورن، هربرت جورج ولز و مایکل کرایتون، در رده بزرگ‌ترین و پرمخاطب‌ترین نویسنده‌گان علمی تخیلی تاریخ دانست. اگر آسیموف که با وجود روس تبار بودن پرورده امریکاست را در نظر نگیریم؛ لم مشهورترین و بزرگ‌ترین نویسنده غیر انگلوساکسون تاریخ ادبیات علمی تخیلی است. لم در سال ۱۹۲۱ در شهر لهستانی لوبو در اوکراین امروزی از پدری پزشک متولد شد. در سال‌های اشغال لهستان از سوی آلمان نازی، به شغل مکانیکی مشغول بود. در طول جنگ دوم جهانی همچنین عضو نهضت مقاومت لهستان بود. با اشغال دوباره لهستان توسط شوروی و ایجاد حکومت کمونیستی، او به پزشکی شغل پدری‌اش روی آورد و از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۸ مشغول تحصیل پزشکی بود. بعدها به‌خاطر علایق شخصی در حوزه‌های فلسفه، تاریخ علوم و روان‌شناسی نیز تحقیقات و مطالعات بسیاری داشت. اولین داستان علمی تخیلی خود را در سال‌های جنگ جهانی دوم با نام مردی از مریخ منتشر کرد. اولین رمانش با نام بیمارستان تبدیل شکل (Hospital of transfiguration) را در سال پایان جنگ ۱۹۴۵ نوشت، اما به خاطر تضاد با تفکر حاکم کمونیستی و استبداد استالینی، تا مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ اجازه نشر نگرفت. رمان‌های

بعدی او سحابی ماژلان (The Magellan Nebula)، تکامل واژگون (- Up - side Down Evolution)، شکست‌ناپذیر (The Invincible)، سایبریاد (The Cyberiad) و شکست در کویینتا (Fiasco) دارای تمی یکسان با موضوع سایبرنتیک یا همان هوش مصنوعی است. در این ۵ اثر، لم به بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر روان و جامعه و تاریخ موجود هوشمند می‌پردازد. این کتاب‌ها هم به علت تلقی علوم سرمایه‌داری انگاشتن هوش مصنوعی توسط دولت مدت‌ها اجازه انتشار نداشت. از دیگر آثار لم می‌توان سولاریس (Solaris)، کنگره آینده‌شناسی (The Futurological Congress) و زنجیره شانس (The Chain of Chance) نام برد. لم شاید نه به خوش‌بینی کلارک و نه به بدبینی اچ جی ولز است، ولی خیلی هم توسعه‌افسارگسیخته علوم به خصوص تکنولوژی اطلاعات و هوش مصنوعی AI را درست نمی‌داند. استانیسلاو لم در سال ۲۰۰۵ در کراکو لهستان در سن ۸۴ سالگی درگذشت. رمان شکست در کویینتا (Fiasco) را شاید بتوان مهم‌ترین اثر لم و چکیده کل تفکر او نامید. این رمان را می‌توان در حوزه علمی تخیلی سخت یعنی با انباشت از نظریه‌های فیزیکی، روان‌شناسی، اخترشناسی، شیمی، زیست‌شناسی و دیرین‌شناسی در قالب داستانی تخیلی در نظر گرفت. کتاب داستان گروهی دانشمند است که بعد از پژوهش بسیار، محل یک تمدن هوشمند را تشخیص و راهی دیدار با آن می‌شوند اما با واقعیت دهشت‌ناک مواجه می‌شوند. تمدن هوشمند وارد دوره‌ی آشنا از تاریخ انسان شده، یعنی جنگ سرد و مسابقه تسلیحاتی که به خاطر آن تغییرات شدیدی در تفکر و جامعه آن ایجاد شده است. این تغییرات به‌کل امکان ارتباط با آن تمدن را ناممکن می‌کند. دانشمندان به جای پذیرش وضعیت موجود و بازگشت به

خاطر عطش سیری‌ناپذیر نخوت خود با زور وارد عمل شده و در پایان کل تمدن را نابود می‌کنند. کتاب یک قهرمان غیرعادی دارد. موجودی خاص با وضعیتی غیرعادی که به نماد وجدان بشر تبدیل می‌شود که در اصلاح وضعیت ناکام می‌آید. لم شخصیتی بسیار مذهبی البته از نگاه اخلاقی دارد و این باعث شده در کتاب‌هایش اخلاقیات حضوری چشم‌گیر داشته باشد. در این کتاب هم یک کشیش به عنوان مبشر اخلاق مرتب به اعضا از تبعات اعمال‌شان هشدار می‌دهد که البته او آن قهرمان غیرعادی نیست. نکات جالب بسیاری در کتاب نهفته است. مثلاً مسأله‌ی به نام روزنه تماس عنوان شده است. روزنه تماس، محدوده‌ی از تاریخ بشر است که انسان توانسته از خرافات دست برداشته و به یک نوع نگرش علمی باز دست یابد و در عین حال پیشرفت چنان عمیق نیست که برای ما به عنوان بازدیدکننده غیر قابل درک باشد. یعنی هر دو بازدیدکننده و میزبان هر دو در وضعیت ایده‌آل درک متقابل قرار دارند. البته لم با وجود طرح فوق به علت اشراف به نقایص اخلاقی و شخصیتی انسان و با گسترش آن به موجود هوشمند دیگر، به این ارتباط چندان خوش‌بین نیست. نویسنده معتقد است حتماً موجودات هوشمند دیگری نیز در کیهان وجود دارند. انریکو فرمی فیزیک‌دان ایتالیایی‌الصل امریکایی یک جمله‌ی دارد که تحت عنوان پارادوکس فرمی معروف شده است. او می‌گوید با توجه به ابعاد کیهان‌ها و کثرت سیارات و ستاره‌ها، احتمال وجود سیاراتی مشابه زمین کم نیست و محتمل است که در این سیارات حیات و تمدن شکل گرفته باشد، اما چرا هیچ نشانه‌ی از آن‌ها و هیچ تلاشی برای ارتباط برقرار کردن از سوی آن‌ها مشاهده نمی‌شود؟ نویسنده در مرحله دوم معتقد است برای ایجاد ارتباط موفق محدودۀ مشخصی در تاریخ هر سیاره هوشمند موجود است که فقط

در آن محدوده می‌توان با آن‌ها ارتباط گرفت که در سیر تاریخ عالم و گسترده‌گی کیهان، محدوده بسیاری کوچکی است و این احتمال ارتباط را بسیار پایین می‌آورد. در مرحله سوم نویسنده معتقد است که در این روزنه تماس ممکن است مشکلات داخلی عملاً ارتباط را ناممکن کند. همان طور که در کتاب جنگ تسلیحاتی و سرد حاکم بر سیاره نوعی بدبینی محض را حاکم کرده که ارتباط را غیرممکن می‌کند. مشکلات اخلاقی و شخصیتی بازدیدگران در درک و ارتباط سالم هم می‌تواند ارتباط را فرجامی تلخ دهد. کتاب خصوصیات جالب دیگری نیز دارد. از جمله نویسنده در جایی می‌گوید آن‌ها با به یغما بردن اسرار درونی گیاهان، جانوران و بدن‌های خود، زیست کره و پیکر خود را دگرگون ساختند، اما عطش قلمروطلبی، عطشی سیری‌ناپذیر بود. یا در جایی دیگر می‌گوید فیزیک کوره‌های است در میان پهن‌دشتی که تخیل آدمی قادر به ادراکش نیست. یا نویسنده در نفی تضاد بودن وجود انسان، می‌گوید تصور کنید از پنج‌صدسال قبل به این طرف تریلون‌ها اتفاق احتمالی در سلسله شجره‌نامه من ممکن بود رخ بدهد تا من به دنیا نیایم و در واقع در پنج‌صد سال قبل، احتمال به دنیا آمدن من در همان زمانی که به دنیا آمدم، چیزی بسیار نزدیک به صفر بوده است... اما می‌بینید که من به دنیا آمدم و الان هم این‌جا هستم! کتاب شکست در کویینتا، کتاب خوبی برای نقب در بسیاری مفاهیم فلسفی درباره انسان و اصولا هوشمندی است. خواندن آن برای تمام علاقه‌مندان داستان‌های علمی تخیلی توصیه می‌شود. از آثار لم، سه کتاب سولاریس، شکست‌ناپذیر و این کتاب به فارسی ترجمه شده‌اند که مشهورترین آثار نویسنده هم هستند. گرفته شده از: وبلاگ ادبی توتستان

## نویسنده: گری گمبر

عزیزم من را با دو میراث از خود تنها گذاشتی یکی از عشق خدا راضی خواهد بود آیا این را تقدیم من خواهد کرد؟ من را تنها گذاشتی با مرزهایی از درد و عذاب وسیع به وسعت دریا بین جاودانه‌گی و زمان آگاهی تو و من

من را تنها گذاشتی، یک شعر کوتاه خارق‌العاده است. این شعر بین دو ایده وسیع در دو قطعه چهاربندی ارتباط برقرار می‌کند. مشخصاً امیلی دیکنسن (Emily Dickinson) این شعر را درباره شخصی که دوست داشته، نوشته است. مشخص نیست که شعر در مورد



شخصی است که خیلی از او دور بوده است یا این‌که آن شخص مرده است. هر دوی این‌ها در زنده‌گی امیلی وجود داشته است. طبیعت شعر به گونه‌ی است که می‌تواند بدین معنی باشد که هر دو حالت برای او اتفاق افتاده همراه با جدایی فیزیکی و آن دو شخص نیز باشد. این شعر احتمالاً در سال ۱۸۶۲ سروده شده است، در زمانی که دیکنسن بیشترین اشتیاق را برای نوشتن شعر داشته است. در این سال، او نزدیک به ۳۶۲ شعر را سرود. تنهایی همراه با عشقی عمیق در شعر امیلی دیکنسون بهترین دوست او چارلز (Reverend Charles Wadsworth) او را در سال ۱۸۶۲ به مقصد سان‌فرانسیسکو ترک کرد. و بیشترین احتمال برای شخص دوم در این شعر به او برمی‌گردد. دیکنسن اولین بار او را در سال ۱۸۵۵ در فیلادلفیا دید و بعد از آن فقط دو بار او را به‌طور شخصی دید که یکی از آن‌ها درست قبل از سفر چارلز به سان‌فرانسیسکو بود. اگرچه وابسته‌گی احساسی امیلی به چارلز برای همیشه در او باقی ماند و او نامه‌های زیادی برای چارلز نوشت. امیلی او را عزیزترین دوست زمینی خود صدا می‌زند. متأسفانه اکثر نامه‌های او به دست چارلز نرسید و نامه‌های چارلز نیز به درخواست امیلی بعد از مرگش سوزانده شد. اولین بخش شعر "من را تنها گذاشتی" به معنی تنهایی همراه با عشقی عمیق است، عشقی که حتا خداوند نیز از آن راضی خواهد بود. این جمله

معنای تأثیرگذاری دارد و نیاز به توضیح اضافه ندارد. قسمت بعدی شعر در مورد بهبودگی و پوچی باقی‌مانده است. مشخصاً درد و رنج زیادی برای اوست. به بزرگی دریا و تا ابدیت. این میراث با میراث قبلی به طور قابل توجهی در تضاد است. قطعه سوم برای این‌که سردرگمی‌ها را به هم گره بزند، نوشته نشده است. در آخرین خط قطعه دوم "آگاهی تو و من" به نظر می‌رسد که به طور موثری خواننده را از دو ایده ذکر شده به وجود دو انسان واقعی نیز آگاه می‌کند. قطعات، کاملاً رسمی و به صورت یک تصنیف عاشقانه نوشته شده‌اند. هجای مؤکد در شعر با یک هجای غیر مؤکد همراه شده است. قافیه‌ها نیز در خط دوم و چهارم هر قطعه با دقت به‌کار رفته‌اند. هیچ قافیه نزدیکی در این شعر به‌کار نرفته است. و همچنین استفاده از تکرار عبارت "من را تنها گذاشتی" در شروع هر قطعه به ساختن یک شعر رسمی بسیار کمک کرده است. نتیجه‌گیری برای این ویژه‌گی شاعرانه این است که دیکنسن توانسته یک شعر کوتاه پرمعنا را که به‌آسانی قابل فهم است، خلق کند. مهارت و بصیرت او هر دو قابل تحسین‌اند. \*\*\* گری گمبر، معلم یک مدرسه عمومی و مؤسس یک شرکت است. مقاله‌های او در مورد سیاست، املاک و ساختمان، سلامتی و تغذیه و سرویس‌های ملاقات اینترنتی است. او مالک سایت Advisor.com و سرپرست Radio.com می‌باشد.

تخلیل و بررسی شعر «ما تنها گذاشتی» اثر از امیلی دیکنسن

# بی توجهی به افغانستان بهای سنگین دارد

ناجیه نوری

بی توجهی به افغانستان، به مراتب بهای سنگین تر از مسأله داعش و بحران اوکراین برای کشورهای جهان خواهد داشت.

شماری از آگاهان با بیان این مطلب می گویند که ظهور داعش، بحران اوکراین و تنش ها میان غرب و روسیه، باعث شده است که توجه جهان به افغانستان کم شود.

آنان با تأیید سخنان رییس جمهوری کشور در کنفرانس مونیخ، تأکید کردند: کم توجهی نسبت به افغانستان، به مراتب خطرناک تر از مسأله داعش و اوکراین است.

برخی از نمایندگان مجلس دلیل کم توجهی جهان نسبت به افغانستان را جنجال های معرفی کابینه و نبود توافق میان رهبران حکومت وحدت ملی می دانند.

رییس جمهور افغانستان که در رأس هیأتی برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ به آلمان سفر کرده بود، در سخنرانی خود در این کنفرانس اعلام کرد که رسیده گی به تنش ها و بحران اوکراین، مشکلات در افغانستان را تحت تأثیر قرار داده و از توجه جامعه جهانی نسبت به آن کاسته است.

اما شکایا هاشمی عضو مجلس نمایندگان، علت کم توجهی جهان نسبت به افغانستان را نبود اراده حکومت وحدت ملی برای آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی، جنجال های معرفی کابینه و عدم توافق میان رهبران حکومت وحدت ملی عنوان می کند.

اومی گوید، سخنان اخیر اتحادیه اروپا گواه این بود که اگر حکومت وحدت ملی نتواند اصلاحات

اساسی را در کمیسیون های انتخاباتی به میان آورد، اروپا افغانستان را در انتخابات پارلمانی حمایت مالی نخواهد کرد.

بانو هاشمی تأکید کرد، عدم توجه رییس جمهور غنی به هشدارهای اروپا مبنی بر آوردن اصلاحات در کمیسیون های انتخاباتی یکی از دلایل کم توجهی کشورهای جهان نسبت به افغانستان است. این عضو مجلس با انتقاد از حکومت می گوید، حکومت وحدت ملی در طی پنج ماه موفق شد که تنها هشت وزیر را به کرسی های وزارت ها برساند؛ اما بقیه وزارت خانه ها توسط سرپرستان اداره می شوند و پول های زیادی به دلیل حضور سرپرستان حیف و میل می شود و این مساله سبب دلسردی جهان نسبت به حمایت از افغانستان شده. و اما جنرال عبدالهادی خالد آگاه نظامی، علاقه کشورهای غربی نسبت به مسایل داعش در عراق، سوریه و لبنان و همین طور مسایل اوکراین را دلیل کم توجهی کشورهای جهان نسبت به افغانستان می داند.

او می گوید، توجه بیش از حد کشورهای دنیا نسبت به مسایل داعش و اوکراین سبب شده تا افغانستان تا اندازه زیادی از چشم دنیا بی افتد.

این آگاه نظامی تأکید کرد، اما بی خبر از اینکه مساله تروریزم در افغانستان مانند آتش زیر خاکستر است و به مراتب از مسایل داعش و اوکراین مهم تر بوده و باید به آن توجه بیشتر شود.

به گفته جنرال خالد، پاکستان بستر پرورش تروریزم است و افغانستان هم کانالی که می خواهند تروریزم و داعش را از طریق آن به کشورهای آسیا میانه انتقال دهند؛ بنابراین فراموش کردن افغانستان اشتباه

بزرگ است.

این آگاه نظامی می گوید، اگر جهان اشتباه گذشته را تکرار کرده و افغانستان را از محراق توجه بی اندازد، نه تنها امنیت در افغانستان بل امنیت جهان نیز به مخاطره خواهد افتاد.

در همین حال، سیف الدین سیحون استاد دانشگاه کابل می گوید، توجه به مسایل داعش، عراق، سوریه و اوکراین سبب کم توجهی کشورهای جهان نسبت به افغانستان شده؛ اما نباید فراموش کرد که این کم توجهی برای جهانیان نیز گران تمام می شود.

استاد سیحون گفت، اگر جهان توجه بیشتر نسبت به اوکراین و مسایل داعش داشته باشد، طبیعتاً توجه نسبت به افغانستان کاهش خواهد یافت؛ اما کم توجهی نسبت به افغانستان به مراتب خطرناک تر از مساله داعش است.

وی تأکید کرد، ولی نباید از یاد برد که کم توجهی جهان نسبت به افغانستان برای خود افغانستان زیان بارتر است، زیرا اگر جهان افغانستان را در زمینه اقتصادی و امنیتی کمک نکند، به یقین کامل ما به تنهایی توان مدیریت این مشکلات را نداریم.

رییس جمهور افغانستان در نشست مونیخ گفته که در حال حاضر معضل تروریزم در منطقه به یک سیستم مبدل شده و به صورت سازمان یافته و با برنامه فعالیت می کند، اما افغانستان با وجود مشکلات فراوان در مبارزه با تروریزم موفق بوده و عملکرد مناسبی داشته است.

آقای غنی تأکید کرده که تروریزم و تهدید افراط گرایی در افغانستان تهدیدی جهانی است، زیرا اگر این معضل در این کشور کنترل و نابود نشود، دنیا را نیز با خود درگیر خواهد کرد.

## داعش از تهدید بالقوه به تهدید بالفعل

احمد عمران

تا دیروز وقتی بحث حضور گروه های تندروی چون داعش در قلمرو افغانستان مطرح می شد، مقام های امنیتی به گونه ای از آن تبرا می جستند و موجودیت چنین گروه هایی را نمی پذیرفتند؛ اما حالا رییس جمهوری در کنفرانس امنیتی مونیخ در آلمان، رسماً از «تلاقی این شبکه ها در افغانستان» سخن می گوید.

آقای غنی که به هدف شرکت در نشست امنیتی مونیخ به آلمان رفته بود، در سخنرانی خود با اشاره به حضور گروه های وابسته به داعش در قلمرو افغانستان گفت: «عملیات دولت پاکستان در شمال و جنوب وزیرستان باعث جابه جا شدن گروه های شورشی شده و بخش قابل ملاحظه ای از جنگجویان این گروه ها به افغانستان منتقل شده اند و بدبختانه افغانستان به صورت بالقوه این امکان را دارد که به نقطه اتصال شبکه های تروریستی در منطقه بدل شود.»

آقای غنی همچنین عمل کرد گروه های تروریستی را هماهنگ با یکدیگر توصیف کرد و گفت که «باید مبارزه با شبکه های تروریستی، روشمند شود.»

آقای غنی در حالی از حضور داعش در افغانستان سخن می گوید که مقام های ارشد امنیتی در صحبت با رسانه ها، همواره حضور چنین گروهی را در افغانستان شایعه عنوان کرده و تأکید کرده اند که شماری از ناراضیان طالب در مناطقی از افغانستان، پرچم های سفید این گروه را با پرچم های سیاه گروه دولت اسلامی تعویض کرده اند. به گفته این مقام ها، افغانستان بستر مناسب برای داعش نیست و این گروه نمی تواند در افغانستان سربازگیری کند.

اما حالا سخنان آقای غنی، عملاً اظهارات مقام های امنیتی را نقض می کند و از «جهانی بودن تهدید داعش» پرده برمی دارد.

بیماری تناقض گوئی، مرده ریگ دولت پیشین است که همچنان بر روی شانه های دولت جدید سنگینی می کند. مقام های دولتی افغانستان این بیماری را به یکدیگر منتقل می کنند و باعث می شوند که فضای

بی اعتمادی نسبت به گفتار آنان در جامعه شیوع پیدا کند.

وقتی مقام های امنیتی حضور گروه داعش را در افغانستان امری محال می خواندند، عطا محمد نور والی بلخ در شمال و اسماعیل خان وزیر پیشین انرژی و آب و یکی از فرماندهان برجسته جهادی در غرب افغانستان، از نگرانی هایی سخن گفتند که به حضور طالبان در مناطقی از شمال و غرب کشور مربوط می شد. آقای نور در یک سخنرانی در شهر مزارشریف گفت که اگر بیدار و هوشیار نباشیم، یک بار دیگر شکار گروه هایی خواهیم شد که از بیرون مرزهای کشور وارد افغانستان شده اند. اسماعیل خان نیز در گردهمایی در شهر هرات، از حضور گروه داعش در مناطقی از این ولایت خبر داد و گفت که به زودی جنگی تازه در افغانستان آغاز می شود که به مراتب خطرناک تر و سهمگین تر از جنگ های پیشین خواهد بود. به همین دلیل اسماعیل خان، طرح ایجاد گروه های مدافع از میان نفرات جهادی پیشین را ارایه کرد که در همکاری با نیروهای امنیتی، سدی در برابر گروه های تازه تأسیس خواهد بسازند.

البته چنین طرح هایی با توجه به وضعیت امنیتی کشور در حال حاضر نمی تواند موثر باشد؛ اما نفس این سخنان به خودی خود، قابل درنگ است و باید به آن ها بها داده شود. از جانب دیگر، وقتی آقای غنی می پذیرد که عملیات ارتش پاکستان در شمال و جنوب وزیرستان باعث شده که گروه های هراس افکن با ترک منطقه وارد قلمرو افغانستان شوند، واقعاً خبری تکان دهنده می تواند باشد. زیرا این سخنان دقیقاً گمانه زنی هایی را تأیید می کنند که پیش از این، شماری از کارشناسان نظامی در افغانستان در مورد حضور گسترده شبه نظامیان در بخش هایی از شمال و غرب افغانستان مطرح کرده بودند.

به باور این کارشناسان، پاکستان در یک طرح منسجم می خواهد جنگ را در افغانستان گسترش دهد. آنان می گویند که راه اندازی عملیات در وزیرستان به بهانه حضور گروه های دهشت افکن، عملاً به تغییر

جغرافیای جنگ در افغانستان منجر می شود. این کارشناسان باور دارند که پاکستان طرحی را دنبال می کند که بر مبنای آن، جنگ در افغانستان بیشتر از گذشته تقویت می شود. البته آقای غنی در سخنرانی خود در شهر مونیخ، به صراحت به چنین طرحی اشاره نکرده اما از فحوای کلام او پیداست که نگرانی کارشناسان را به نوعی تأیید می کند.

در صورتی که این برنامه درست باشد، پس باید در انتظار پیامدهای خطرناک آن بود.

وقتی فرماندهان پیشین جهادی از تشدید جنگ در بهار سال آینده خبر می دهند، این نگرانی به وجود می آید که این بار قرار است کدام نیروها وارد صحنه شوند. فراموش نکنیم که گروه داعش که حالا خود را دولت اسلامی می خواند، طرحی را برای خراسان نیز در نظر گرفته و بر اساس آن، امیر خراسان از سوی این گروه انتخاب شده است. طرح داعش برای منطقه، وسیع تر از چیزی است که در گذشته گروه های مشابه آن مثل طالبان ادعا داشتند. در این طرح، افغانستان به یک حوزه کوچک فرو کاسته شده و در حد یک شهرستان قرار گرفته است. در همین حال، بسیاری از کشورهای منطقه نیز در طرح تازه داعش، حیثیت یک شهرستان را به خود گرفته اند. این ها همه می رسانند که توطیه یی کلان در جریان است و اگر با هوشیاری و درایت نسبت به آن برخورد نشود، احتمال دارد که وضعیت کشور از آن چه که هست بدتر شود.

حضور داعش در افغانستان حالا تنها یک تهدید بالقوه نیست، بل به تهدیدی بالفعل تبدیل شده است. نگرانی اصلی از این جا ناشی می شود که شاید داعش و گروه های مشابه آن، داعیه جهانی در سر داشته باشند؛ اما این گروه ها مناطقی را به عنوان اهداف اصلی خود انتخاب می کنند که ثبات و امنیت آن ها با پرسش روبه رو است. افغانستان از این حیث برای گروه داعش می تواند به عنوان مرکز دیگری از فعالیت هایی پنداشته شود که به آسانی چند کشور را به هم گره می زند.

## دوسال بعد کابل برق شبانه...

موسسه نتوانسته است که نیازمندی شهروندان کابل را به انرژی برق به ویژه در فصل زمستان رفع کند.

آقای توحیدی می گوید که در موسم سرما شهر کابل به ۸۰۰ میگاوات و در موسم گرما به ۵۸۰ میگاوات برق نیاز دارد، اما به گفته وی شرکت برق توان عرضه ۳۸۰ تا ۴۱۵ میگاوات برق را دارد.

سخنگوی شرکت برق می گوید که در نظر است به ساحات پلانی و غیرپلانی شهر کابل مساویانه برق توزیع شود. او افزود که ابتدا به شفاخانه ها، ریاست جمهوری و ساحات دیپلوماتیک اولویت داده می شود. آقای توحیدی می گوید که در قدم دوم برق به ساحات پلانی توزیع می شود که جمعیت آن در چند سال گذشته ثابت بوده است و مصرف برق آن ثابت است، اما به گفته وی مشکل عمده ساحات غیرپلانی است که هر روز گسترش یافته و ظرفیت مصرف برق آن ساحات هر روز افزایش می یابد.

توحیدی می گوید که ساکنان ساحات تازه آباد شده غیرپلانی که تا هنوز لین برق به خانه های شان تمديد نشده است، به گونه غیرقانونی از همسایگان شان برق می گیرند که به گفته وی اینکار نادرست و خطرناک است.

سخنگوی شرکت برق می گوید که جریان برق وارداتی تاجکستان پرچاوی برق را حدود ۵۵ درصد کاهش خواهد داد.

شرکت برق برای دقت در سنجش صرفیه برق مشتریان خود میتراهی دیجیتلی را نصب کرده است. در همین حال شماری از شهروندان می گویند که این میترا مصرف برق آنان را بیشتر از حدی که مصرف شده است، نشان می دهد.

یکی شاکی است که مصرف برق یک ماهه وی ۳۰ هزار افغانی آمده است و دیگری گله دارد که ده هزار افغانی معاش دارد و محصول صرفیه برق برایش ۳۷ هزار آمده است.

با این حال، سخنگوی شرکت برق می گوید که میتراهی جدید را معیاری و عاری از خبط و خطا خوانده می گوید که از عین این میترا در کشورهای اروپایی و امریکایی نیز کار گرفته می شود.

## شایستگی معیار معرفی...

معرفی وزاری پیشنهادی حکومت وحدت ملی به پارلمان است.

جاوید فیصل معاون سخنگوی عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان در جمع خبرنگاران اعلام کرد: شایسته سالاری و تعهد بجای جهادی بودن معیارهای انتخاب وزرای پیشنهادی دولت افغانستان به پارلمان برای کسب رأی اعتماد است.

سخنان جاوید فیصل در حالی مطرح می شود که محمد اسماعیل خان وزیر سابق انرژی و آب و از فرماندهان سابق جهادی گفته بود تا زمانی که سهم مجاهدین در کابینه حکومت وحدت ملی در نظر گرفته نشود امنیت در کشور تأمین نخواهد شد.

این دومین بار است که در کمتر از یک ماه اسماعیل خان وزیر پیشین انرژی و آب افغانستان و یکی از فرماندهان سابق جهادی نسبت به کمرنگ بودن نقش رهبران و فرماندهان جهادی در ساختار حکومت وحدت ملی انتقاد می کند.

وی طی سخنانی روز یک شنبه در هرات، تصریح کرد: در کابینه فعلی حکومت وحدت ملی چهره های دو تابعیته حضور دارند و اکثریت افرادی که به پارلمان افغانستان معرفی شده اند کمونیست می باشند.

انتقادات اسماعیل خان مبنی بر حضور کمرنگ مجاهدین در کابینه حکومت وحدت ملی در شرایطی مطرح می شود که تاکنون تنها هشت وزیر و رییس امنیت ملی افغانستان توانسته اند رأی اعتماد پارلمان کشور را کسب و کار خود را آغاز نمایند.



مربی تازه تیم ملی فوتبال افغانستان:

# با فوتبال لبخند را به مردم افغانستان هدیه می‌دهم

خدا بخواهد که به زودترین فرصت این‌ها به کار خود آغاز کنند و تیم ملی افغانستان را زیر نظر داشته باشند تا ما بتوانیم آنگونه که شایسته یک ملت است یک تیم ملی داشته باشیم.»

آقای کریم گفت قرار است افغانستان در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۰ بازی ملی داشته باشد و این بازی‌ها ایجاب می‌کند تا مربی بهتری برای بازیگران تیم ملی استخدام شود.

شکست‌هایی که افغانستان در مسابقات فوتبال داشته نیز این کشور را وادار کرده تا در مورد داشتن مربی جدید فکر کند. افغانستان اخیراً طعم تلخ شکست را در مسابقه دوستانه فوتبال با پاکستان چشید.

پیش از این یوسف کارگر مربی تیم ملی فوتبال افغانستان بود. آقای کارگر چندی پیش مورد حمله قرار گرفت و زخمی شد. او در حال حاضر در خارج از افغانستان به سر می‌برد و زخمی شدن آقای کارگر یکی از دلایل استخدام مربی جدید برای فوتبال افغانستان است.

تیم ملی فوتبال افغانستان پیش از این نیز تجربه مربی‌های آلمانی را دارد. اریک روته مولر در ششمین مارچ سال ۲۰۱۴ برای مدت کوتاهی مربی گری تیم ملی فوتبال افغانستان را به عهده داشت.



امید درخشش

فدراسیون فوتبال افغانستان امیدوار است که با استخدام مربی جدید، نتایج بهتری از فوتبال داشته باشد و تیم ملی در میدان‌های بین‌المللی دست آوردهای خوبی برای کشور به ارمغان آورد.

کرام الدین کریم، رییس فدراسیون فوتبال افغانستان در این کنفرانس گفت: «امروز خوشبختانه به این نتیجه رسیدیم که قرارداد مقدماتی را با ایشان امضا کنیم. تا

تحلیل کند و از این طریق، دست آوردهای بیشتری برای فوتبال افغانستان کسب نماید.

این مربی ابراز امیدواری کرد که با همکاری فدراسیون فوتبال افغانستان و بازیگران تیم ملی بتواند فلسفه جدیدش را برای بهبود وضعیت فوتبال در این کشور تطبیق کند. او گفت که تلاش می‌کند بازیگران چیره دست افغان در خارج به خصوص آنانی که در تیم‌های اروپایی بازی می‌کنند را برای تیم ملی جذب کند.

فدراسیون فوتبال افغانستان با استخدام مربی جدید آلمانی، امیدوار است که در آینده دست آوردهای بهتری در میدان‌های سبز داشته باشد. مربی جدید تیم ملی، در نخستین سخنانش گفت که با فوتبال، به مردم افغانستان لبخند هدیه می‌دهد.

سلوان اسکیلیچ، مربی جدید تیم ملی فوتبال افغانستان روز دوشنبه (۲۰ دلو/ ۹ فبروری) در یک کنفرانس خبری رسماً قرارداد مربی‌گری در افغانستان را امضا کرد. آقای اسکیلیچ که ۴۳ سال دارد، یک آلمانی بوسنیایی الاصل است. او تجربه مربی‌گری در چندین تیم فوتبال آلمان را دارد. او پیش از این مربی گری تیم ۱۹ سال «اف اس وی» در فرانکفورت آلمان را به عهده داشت.

این مربی آلمانی وعده داد که فلسفه جدید بازی را وارد فوتبال افغانستان می‌کند تا بازیکنان نزدیک با معیارهای تیم‌های اروپایی بازی کنند. سلوان اسکیلیچ گفت: «من فلسفه خاص بازی و تمرینات خود را دارم و می‌خواهم این فلسفه را که فلسفه بازی‌های مدرن اروپایی است، به بازیگران جوان افغان انتقال بدهم و سبک جدید بازی را در افغانستان پایه‌گذاری کنم.»

مربی جدید تیم ملی فوتبال افغانستان گفت این توانایی را دارد تا نقاط ضعف و قوت حریف را تجزیه و

## جام‌جم‌آتلاین

تنها چیزی که درباره یک فوتبال‌بست اهمیت دارد توانایی‌های فنی او در میدان مسابقه است و اینکه چقدر تکنیک دارد و چگونه گلزنی می‌کند برای هواداران پر تعداد فوتبال بسیار مهم است.

طبیعی است وقتی یک فوتبال‌بست، توانایی فنی نداشته باشد خیلی زود محو می‌شود. بخش زیادی از فوتبال‌بست‌های دنیا فقط یک ویژگی دارند و آن هم توانایی‌های فنی‌شان است. بازیکنان حرفه‌ای برای پیشرفت بیشتر و بهتر تمام تمرکز خود را روی فوتبال می‌گذارند و برای رسیدن به هدف فوتبالی خود تمام برنامه‌های دیگر را از زندگی خود حذف می‌کنند. یکی از این برنامه‌ها که از سوی بسیاری از فوتبال‌بست‌ها حذف شده، چیزی جز تحصیل نیست.

بازیکنی که از سنین نونهالی کار خود را در آکادمی‌ها و باشگاه‌های مختلف آغاز می‌کند کمتر فرصتی برای درس خواندن دارد. اصلاً وقتی پای شهرت و ثروت در میان باشد تحصیلات بالا چه اهمیت و فایده‌ای دارد؟ اگر این بازیکنان حرفه‌ای بخواهند تمرکز خود را روی درس و مشق هم بگذارند، ممکن است فرصت‌های گرانبهائی را در فوتبال از دست بدهند. با این حال بازیکنانی هستند که به غیر از توانایی‌های فنی فوتبالی موهبت‌های دیگری هم به آنها اعطا شده است؛ موهبتی به نام استعداد برای درس خواندن و ارتقای سطح فکری.

چند فوتبال‌بست تحصیل کرده در فوتبال دنیا سراغ دارید؟ مسلماً زیاد نیستند و چه بسا بازیکنان بسیار مشهور و نامداری که حتی تحصیلات ابتدایی خود را به پایان نرساندند. البته فقط دانشگاه رفتن در اینجا مهم نیست. شاید بازیکنی به دانشگاه نرفته باشد اما آنچنان مطالعه وسیعی دارد که وی را از دیگران متمایز کرده است. متمایز بودن این بازیکن را می‌توانید از نوع صحبت و رفتارشان در اجتماع و کارهای جالبی که می‌کنند، ببینید. اما مهم‌ترین بی‌سوادها و باسوادهای دنیای فوتبال چه کسانی هستند؟

کریستیانو رونالدو و لیونل مسی را با استعدادهای و هنرنمایی‌های حیرت‌انگیزشان در مستطیل سبز می‌شناسیم. این دو نابغه بزرگ پرتغالی و آرژانتینی فوتبال که به ترتیب در رئال مادرید و بارسلونا بازی می‌کنند، هم‌اکنون در فوتبال بی‌رقیب هستند، اما همین دو فوق‌ستاره بزرگ دنیای فوتبال هرگز به درس و مکتب علاقه نشان نداده‌اند و نتیجه‌اش همین است که هر دو تحصیلات بسیار پایینی دارند.

درباره لیونل مسی و سطح تحصیلاتش اخبار زیاد است. در یکی از بیوگرافی‌های او ذکر شده مسی ۹ صنف درس خوانده اما در واقع حقیقت چیز دیگری است. لیونل مسی که از ۱۳ سالگی در بارسلونا حضور دارد، پنج صنف بیشتر

## باسوادترین و بی‌سوادترین فوتبال‌بست‌های جهان

# رونالدو و مسی مکتب نخوانده‌اند



سن به مکتب بزرگسالان می‌رفته تا دوره‌های تحصیلی ابتدایی را پشت سر بگذارد.

با تمام این اوصاف، مسی و رونالدو تحصیل کرده نیستند. البته آنها بابت ترک تحصیل دچار مشکل نشدند، چراکه هر کدام از آنان از بزرگ‌ترین فوتبال‌بست‌های تاریخ به حساب می‌آیند. البته اگر آنها تا این اندازه تحصیلات پایینی نداشتند حتی می‌توانستند چهره‌ای متمایزتر از خود بسازند.

### اسطوره فرهیخته

حال به باسوادها می‌رسیم؛ باسوادهایی که با وجود حضور در بالاترین درجه فوتبالی هرگز مطالعه و تحصیل را کنار نگذاشتند. مهم‌ترین چهره دنیای کنونی فوتبال که با علاقه به مطالعه و ادبیات، خود را از دیگران متمایز کرده کسی نیست جز فرانک لمپارد اسطوره باشگاه چلسی و بازیکن حال حاضر منچستر سیتی. لمپارد ادیب‌ترین چهره فوتبالی دنیاست. او چند سال پیش کتابی برای کودکان نوشت به نام «فوتبال، معجزه فرانک». او پیش از آن نیز کتاب زندگینامه خود را نوشته بود و پس از آن قسمت‌های بعدی آن را منتشر کرد. چند روز پیش خبر دیگری منتشر شد مبنی بر این‌که او قصد دارد دومین کتاب خود در حوزه کودکان را منتشر کند. به راستی فوتبال‌بستی که ثروت هنگفتی دارد و هر آنچه تصور می‌رود در اختیار اوست چه نیازی به نوشتن کتاب و مطالعه در خود احساس می‌کند؟ این به تفکر وسیع لمپارد برمی‌گردد.

لمپارد نمی‌خواست و نمی‌توانست زندگی خود را فقط محدود به فوتبال کند. ادبیات و مطالعه بخش مهم زندگی

درس نخوانده است هر چند روایت‌ها از میزان تحصیلات او زیاد است. شواهد حاکی از آن است که مسی از سال پنجم ابتدایی دیگر به مکتب نرفته و اگر هم درس خوانده به صورت متفرقه بوده است. وارد شدن به دنیای فوتبال و البته علاقه‌مند نبودن به درس خواندن علت این اتفاق بوده است. مسی اگر مثل بسیاری از کودکان و نوجوانان دیگر طبق یک روال ثابت به مکتب می‌رفت، هرگز نمی‌توانست در آکادمی باشگاه بارسلونا که به لاماسیا مشهور است خود و توانایی‌هایش را نشان بدهد.

از مسی که بگذریم به کریستیانو رونالدو می‌رسیم؛ بازیکنی که همانند مسی حرف درباره میزان تحصیلات او زیاد است. برخی از اخبار حاکی از آن است که او سواد چندانی ندارد و حوزه مورینیو سرمربی کنونی چلسی پیش از این به تمسخر به این موضوع اشاره کرده بود. رونالدو یک نیمه‌بی‌سواد است که در خواندن متون بسیار مشکل دارد. او هم مانند مسی فقط تا مقطع ابتدایی به مکتب رفته و مکتب رفتنش از پنج سال تجاوز نکرده، هر چند برخی می‌گویند که میزان تحصیلات او از این هم پایین‌تر است. البته شواهدی هم وجود دارد که می‌گویند ادعای نیمه‌بی‌سواد بودن رونالدو کذب محض است و وی تا دبیرستان به مکتب رفته. شاهد ادعای آنها هم این است که رونالدو در ۱۷ سالگی به دلیل پرتاب کردن صندلی به طرف معلمش از مکتب اخراج شد. یک پسر ۱۷ ساله قطعاً باید دبیرستانی باشد و با استناد به همین موضوع از تحصیلات دبیرستانی رونالدو می‌گویند. البته باید به این قضیه هم توجه داشت که شاید او در این

اوست. لمپارد در ویلی مجل خود در لندن کتابخانه‌ای وسیع با بیش از ۴۰۰۰ نسخه کتاب دارد. این هابفیک منچستر سیتی در اوج دلمشغولی‌هایش در فوتبال، کتاب نوشت، چه برسد به این‌که بخواهد بازنشته هم بشود. قطعاً در آینده کتاب‌های بیشتری از این فوتبال‌بست به چاپ خواهد رسید.

آقای مهندس رنال

خامس رودریگوئز در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل آقای گل رقابت‌ها شد. او کفش طلا را به خانه برد تا شهرتش چند برابر شود. به دنبال درخشش در آوردگاه عظیم برزیل رودریگوئز با یکی از پرسروصداترین انتقال‌های سال از موناکوی فرانسه راهی رئال مادرید شد. این کلمبیایی نیز در زمره تحصیل کرده‌ترین فوتبال‌بست‌های دنیا قرار دارد.

با وجود این که خامس نهایت تلاش خود را برای رسیدن به بالاترین سطح حرفه‌ای فوتبال کرد اما هرگز از تحصیل غافل نشد. او که در دانشگاه ملی آبیترتای کلمبیا در رشته مهندسی ماشین‌آلات فارغ‌التحصیل شد، اکنون مشهورترین مهندس دنیای فوتبال است.

### سایر فوتبال‌بست‌های باسواد

به غیر از رودریگوئز یک کلمبیایی دیگر به نام رادامل فالکائو نیز در دسته فرهیختگان دنیای فوتبال قرار داد. فالکائو که هم‌اکنون در منچستر یونایتد بازی می‌کند سابقه کار روزنامه‌نگاری هم دارد و حتی تحصیلات دانشگاهی‌اش در این زمینه بوده است.

او عاشق نوشتن است و می‌گویند دست‌نوشته‌های زیادی دارد که نمی‌خواهد کسی آنها را بخواند. فالکائو و رودریگوئز از کشوری می‌آیند که مهد خلافت‌کاری و محلی برای جولان باندهای خطرناک مواد مخدر است اما این دو نه تنها در ورزش به چهره‌هایی موفق تبدیل شدند بلکه در زمینه تحصیلات نیز استعداد خود را نشان دادند.

البته تحصیل کرده‌های دنیای فوتبال کم نیستند. در این باره می‌توان به بازنشته‌های شهیر فوتبال اشاره کرد؛ همانند علی دایی که در دانشگاه صنعتی شریف مهندسی متالورژی خواند، سوکراتس اسطوره فقیه فوتبال برزیل در رشته پزشکی تحصیل کرد و اولیور بیرهوف و اولیور کان اسطوره‌های فوتبال آلمان به ترتیب در رشته‌های اقتصاد و مدیریت بازرگانی تحصیلات خود را به پایان بردند. ادوین فان‌درسار دروازه‌بان سابق تیم ملی فوتبال هلند نیز بازاریابی خوانده. این در حالی است که بسیاری از هم‌تیمی‌های او در زمان خودش نیمه‌بی‌سواد بودند. با تمام این اوصاف جمعیت نیمه‌بی‌سوادهای دنیای فوتبال به باسوادهاش کاملاً غلبه دارد.

## اعلام آماده‌گی چین برای ساخت ۶ نیروگاه هسته‌یی در پاکستان



معاون وزیر کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی چین (NDRC) گفته که ساخت ۶ نیروگاه هسته‌یی برای پاکستان از سوی مقامات پکن تایید شده است.

به گزارش زی نیوز هند، «وانگ ژیاو تاو» معاون وزیر کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی چین (NDRC) اعلام کرد که در گام نخست دو نیروگاه هسته‌یی را در شهر کراچی پاکستان خواهد ساخت.

وی افزود: دولت چین قرار است ضمن همکاری با اسلام آباد شش نیروگاه هسته‌یی با ظرفیت ۳,۴ میلیون کیلو وات برق در پاکستان بسازد.

معاون وزیر کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی چین اظهار داشت: پکن در گام نخست دو نیروگاه هسته‌یی را با ظرفیت ۱۱۰۰ مگا وات در شهر کراچی نصب خواهد کرد.

قابل ذکر است که دولت چین در حال انتقال تکنولوژی هسته‌یی به دو کشور آرژانتین و پاکستان است.

دولت چین قبل از این نیز دو راکتور ۳۰۰ مگاواتی در راکتور ۳۲۰ مگاواتی در منطقه «چشمه» در ایالت «پنجاب» پاکستان ساخته است.

پکن پیش از این، تایید و فراهم کردن اطلاعاتی در مورد همکاری هسته‌یی با پاکستان را رد می‌کرد اما اکنون آن را تایید کرده است.

## دو ادعا درباره کشته شدن

## معاون فرمانده داعش در افغانستان

مشهور به خادم همراه با پنج تن از همراهان‌اش داخل یک موتر بودند که در ولسوالی کجکی هدف حمله قرار گرفت و کشته شد.

هرچند سخنگوی پولیس ولایت هلمند گفت که این جنگجو و همراهان‌اش در حمله هواپیمای بی‌پیلوت امریکایی کشته شده اند، اما ریاست امنیت ملی گفته که «ملا عبدالرووف مسوول گروه داعش در زون جنوب غرب افغانستان» در عملیات نیروهای افغان کشته شده است.

امنیت ملی افغانستان افزود: «او در ماه گذشته یکی از اهداف اصلی نیروهای امنیتی بود و سرانجام امروز در این عملیات کشته شد.»

«تهدید بالقوه برای افغانستان»

پیش از این مقام‌ها حضور گروه تروریستی «دولت اسلامی» در افغانستان را به صورت رسمی تایید نکرده بودند، هرچند گزارش‌هایی وجود دارد که جنگجویانی در جنوب و غرب این کشور پرچم این گروه را حمل می‌کنند.

مقام‌های ولایت هلمند قبلاً گفته بودند که ملا عبدالرووف در تلاش جلب جنگجو برای «دولت اسلامی» یا داعش است. مردم محل نیز گزارش داده بودند که عبدالرووف از آن‌ها خواسته است به او بپیوندند.

با وجود این، مقام‌های حکومت افغانستان نگران اند که گروه «دولت اسلامی» می‌تواند به خطری برای این کشور تبدیل شود. هفته گذشته این موضوع در جلسه شورای امنیت ملی افغانستان زیر ریاست رییس جمهور اشرف غنی مورد بحث قرار گرفت.

به گزارش دفتر ریاست جمهوری افغانستان، «شورای امنیت تحرکات اخیر این گروه را یک تهدید جدی بالقوه امنیتی به افغانستان و منطقه دانست». به نهادهای امنیتی افغانستان نیز دستور داده شده است که برای مبارزه با این گروه تدابیر خاصی روی دست گیرند.



مقام‌های حکومت افغانستان گفته اند یک عضو سابق طالبان که احتمالاً به گروه «دولت اسلامی» یا داعش پیوسته بود، در ولایت هلمند همراه با پنج جنگجوی دیگر کشته شده است. این فرد در تلاش جلب جنگجو برای «دولت اسلامی» بوده است.

مقام‌های امنیتی افغانستان گفته اند ملا عبدالرووف، «مسوول گروه داعش در جنوب غرب افغانستان» روز دو شنبه (۲۰ دلو / ۹ فبروری) با چند تن از همراهان‌اش در ولایت هلمند کشته شده اند.

فرید احمد عبید، سخنگوی پولیس ولایت هلمند گفت که ملا عبدالرووف

### مشرف:

## تشکیل دولت موقت برای ایجاد اصلاحات انتخاباتی در پاکستان ضروری است



لیگ شاخه فنکشنل در ایالت سند و شاخه‌های دیگر احزاب مسلم لیگ و همچنین حزب تحریک انصاف در ایالت پنجاب رایزنی کرده است.

قابل ذکر است که حزب آل پاکستان مسلم لیگ به رهبری پرویز مشرف برای عضوگیری این حزب، کمپ‌هایی در مناطق مختلف ایالت «سند» ایجاد کرده است.

پرویز مشرف رییس جمهور سابق پاکستان روز گذشته نیز اعلام کرده بود که در حال رایزنی با رهبران احزاب مختلف سیاسی برای تشکیل قدرت جدید است و بزودی نقش مهمی در سیاست پاکستان ایفا خواهد کرد.

مشرف اظهار داشت: بدنیاال کمک به پاکستان بدنیاال تشکیل قدرت سیاسی جدید هستیم. رییس جمهور سابق پاکستان برای تشکیل قدرت جدید سیاسی در این کشور با پیر پگارا رهبر حزب مسلم

رییس جمهور سابق پاکستان ضمن رایزنی برای تشکیل قدرت جدید سیاسی علیه دولت این کشور اعلام کرد دولت نواز شریف تهدیدی برای تمامیت ارضی پاکستان است در نتیجه با تشکیل دولت موقت برای ایجاد اصلاحات انتخاباتی ضروری است.

پرویز مشرف رییس جمهور سابق و رهبر حزب آل پاکستان مسلم لیگ اعلام کرد که برخی از عناصر در این کشور تروریسم دولتی را گسترش می‌دهند که موجب ناامنی، بیکاری، عدم رعایت قانون و فساد شده‌اند.

وی افزود: حقوق مردم فقیر پاکستان در این کشور رعایت نمی‌شود بنابراین، قدرت سوم سیاسی در انتخابات این کشور لازم و ضروری است.

# Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

# ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از 1 الی 30 روز	از 31 الی 80 روز	برای 180 روز 40% تخفیف
1	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	\$ 60	\$ 48	\$ 36
2	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
3	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	\$ 70	\$ 56	\$ 42
4	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	\$ 350	\$ 280	\$ 210
5	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	\$ 100	\$ 80	\$ 60
6	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	\$ 250	\$ 200	\$ 150
7	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز \$ 400	برای 14 روز \$ 600	برای 30 روز \$ 1200